



# لافات ساترا و شبکه نمایش خانگی هم گری کند؟

اشکال رساندن محتوا به کاربر، برای جلوگیری از انتشار محتوای زیان آور و بازآرندگی برای مسئولیت پذیری منتشرکننده ناگافی است. لذا مشاهده می کنیم که در عمل، مجریان و نهاد های تنظیم گری در برقراری نظم و رعایت اعتدال و حفظ حقوق افراد جامعه کم توفیق هستند. مواردی مانند «گرایش طبیعی محتوای فضای مجازی به سمت ناسالم بودن»، «شفاف نبودن یا خلأ قانونی در حکمرانی رسانه های از فضای مجازی»، «چالش در تعریف مفهوم منفعت عمومی و تنش میان منافع اقتصادی و فرهنگی»، «سردرگمی کسب و کارها و خدمات عرضه صوت و تصویر فراگیر به دلیل پیش بینی ناپذیر بودن رفتارهای نهاد تنظیم گری»، «آشفتنگی در نظام مسئولیت حقوقی رسانه های کاربرمحور»، «ضعف در هدایت گری جریان تولید، تأمین، انتشار و مصرف انبوه محتوا»، «عدم تجهیز نظام تنظیم گری به ابزارهای تسهیل گری، انگیزشی و بازدارنده به شکل توانان» از جمله چالش های پیش روی نهاد تنظیم گری به شمار می روند.

تنظیم گری را دوماس، مکانیسم ایجاد کنترل عمومی بر نهاد های بخش خصوصی (غیردولتی) با هدف تأمین منفعت عمومی تعریف کرده است. تعریفی دیگر، تنظیم گری را به معنای کنترل مستمر و متمرکز یک سازمان دولتی روی فعالیت هایی می داند که برای گروهی حائز اهمیت است. در تعریف ارائه شده توسط آکسفورد هم، تنظیم گری غالباً فعالیتی در جهت محدود سازی رفتار و جلوگیری از فعالیت های نامطلوب خاص شناخته می شود. لذا با توجه به تعاریف برای مقررات گذاری مؤثرتر، ابتدا باید قوانین به روز و متناسب با تحولات فناوری طراحی شوند و همچنین دارای شفافیت در اعطای مسئولیت به صورت دقیق باشند. در قانون گذاری برای تفاوت گذاری میان بخش خصوصی همراه و غیرهمراه باید علاوه بر تنبیه، تشویق هم دیده شود. با توجه به ماهیت و ویژگی های فضای سایبر باید خودتنظیمی و نظارت پس از انتشار به صورت مستمر توسط ناشر و نظارت کنندنده، هر دو باید اعمال شود. استفاده از نظارت عمومی پس از آموزش و آگاهی بخشی از جمله راهکارهایی است که امروزه در کشورهای توسعه یافته استفاده می شود. تخصیص بودجه لازم و کافی برای افزایش سواد رسانه ای

کاربران به منظور مشارکت در امر شناسایی محتوای نامناسب و گزارش به موقع از دیگر راهکارهای مؤثر به شمار می رود.

باید بین آزادی بیان و مسئولیت پذیری تعادل برقرار کرد. مقررات گذاری به معنای محدود کردن آزادی بیان نیست، بلکه هدف آن ایجاد فضایی امن و سالم برای کاربران است. اگر قوانین به درستی طراحی شوند، می توانند هم از حقوق کاربران محافظت کنند و هم به خلاقیت و تولید محتوای سالم کمک کنند. برای مثال، می توان با ایجاد دستورالعمل های شفاف، به تولید کنندگان محتوا اطمینان داد که در چهارچوب مشخصی فعالیت می کنند.

نمایش خانگی به دلیل دسترسی آسان و گسترده، چالش های خاص خود را دارد. یکی از مهم ترین چالش ها، ارائه محتوای غیرمجاز یا بدون مجوز است که به حقوق مالکیت معنوی آسیب می زند. برای مدیریت این چالش ها، رعایت و تقویت قوانین مالکیت معنوی از مواردی است که باید در کنار فرهنگ سازی ارتقا یابند. وضع مجازات های سنگین و بازدارنده برای نقض حقوق مالکیت معنوی حافظ منافع تولید کنندنده محتوا و زمینه ساز گسترش خلاقیت و نوآوری است. همکاری با تولید کنندگان محتوا با ایجاد بسترهای قانونی برای ارائه محتوای مجاز و با کیفیت و کاهش هزینه های تولید، انتشار و برگشت سرمایه از موارد دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

امروز بدون تردید می توان گفت که جامعه شبکه ای جدید یک زیست بوم ناگزیر برای مردم است. از ویژگی های این جامعه شبکه ای، جریان متن را دسته بندی کرده است:

۱) بر اساس قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت، علی رغم اینکه در خصوص تهیه لایحه باید صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هم متن را تنظیم کنند، اما وقتی سازات، یک طرفه متن را تهیه می کند و از اساس، همفکری بین طرفین صورت نمی گیرد، نتیجه متن فعلی است که با نادیده گرفتن اهداف، مأموریت ها و تکالیف قانونی وزارت فرهنگ تنظیم شده است.

۲) در متن، اکثریت قریب به اتفاق مفاد، مربوط به تنبیهات و شیوه اعمال آنهاست و حمایت، جنبه تزئینی و رفع تکلیف دارد. کما اینکه مفاد تک ماده حمایتی (ماده ۲۹)،

موردی است فاقد جذابیت برای رسانه ها. متن، بیشتر از آنکه حکایت از تنظیم گری و ارتباط وثیق میان رسانه ها، مخاطبان و دولت داشته باشد و حقوق هر یک از این سه ضلع را مطرح نظر داشته باشد، با رویکردی سخت گیرانه، تنظیم شده و جامعه مدنی رسانه ها و صنف مربوط نیز کاملاً نادیده گرفته شده؛ امری که تنظیم گری را از مفهوم تهی نموده و آن را به ساختاری دولتی تقلیل داده است.

۳) در متن، سامانه های متعددی در ساترا پیش بینی شده؛ پایش و نظارت، سایبر و ساف؛ امری که با توجه به پیچیدگی ذاتی تنظیم گری، بضاعت نظام اداری ایران و ضرورت سهولت و تسریع در اتمسفر رسانه های مدرن، افزایش بوروکراسی و هزینه و حجیم شدن ساختار حاکمیتی می باشد. اما تکثیر سامانه ها در متن، نقض مقدمه قانون اساسی است که بر «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور» تأکید دارد.

۴) در متن، سامانه های متعددی در ساترا پیش بینی شده؛ پایش و نظارت، سایبر و ساف؛ امری که با توجه به پیچیدگی ذاتی تنظیم گری، بضاعت نظام اداری ایران و ضرورت سهولت و تسریع در اتمسفر رسانه های مدرن، افزایش بوروکراسی و هزینه و حجیم شدن ساختار حاکمیتی می باشد. اما تکثیر سامانه ها در متن، نقض مقدمه قانون اساسی است که بر «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور» تأکید دارد.

۵) در متن، صلاحیت ها و اختیارات متناقضی برای ساترا پیش بینی شده که جمع آنها با یکدیگر نه ممکن است، نه مطلوب. چه اینکه در متن، هم صدور مجوز، هم نظارت و هم تنظیم گری، مجموعاً به ساترا واگذار شده که هر سه صلاحیت مزبور را مخدوش می نماید.

۶) در این متن کلیه اختیاراتی که صرفاً باید در دستگاه قضایی و توسط نماد عدالت یعنی قضا که با فرآیندی طولانی و با گذر از رده های گزینشی و صلاحیتی انتخاب می شوند، انجام شود، به دستگاه اجرایی (صدا و سیما) محول شده است. نهادی که علاوه بر صلاحیت صدور مجوز، صدور رأی می نماید، آن را اجرا می کند و حتی صلاحیت دستور موقت هم دارد!

۷) در متن، پالایش و درواغ ممیزی از طریق سیستم های ماشینی هوشمند وجود دارد. این موارد، ممیزی هوشمند از طریق هوش مصنوعی است. امری که خلاف حقوق شهروندی، حق ها و آزادی های مندرج در قانون اساسی، قوانین و منشور حقوق شهروندی است.

۸) سامانه ساف برای اقدام فوری در نظر گرفته شده است. یعنی برای اعلام و اصلاح فوری محتوا. امری که حتماً و صرفاً باید در صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی باشد و به نظر می رسد با توجه به عدم توفیق ساترا در این خصوص در رویه جاری و الزام ساترا در این خصوص در مراجعه به دستگاه قضایی، این مهم برای رفع این خلأ صلاحیتی ساترا در نظر گرفته شده.

۹) در متن تهیه شده، تولید و انتشار محتوا در حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی، منوط به اخذ مجوز از ساتراست. امروزه به موازات زندگی در فضای واقعی، شهروندان مانند سایر انسان ها در جهان، در فضای مجازی زیست جدی، همراه با اشتغال و همه ابعاد یک حیات را دارند و اینکه هر شخصی برای تولید و انتشار محتوا باید از ساترا اجازه بگیرد.

۱۰) مصادیق تخلفات عمومی در متن، به صورت تمثیلی بوده و پایان باز است! ضمن آنکه هرگونه تولید و انتشار محتوا و هرگونه پخش زنده، نیاز به مجوز دارد! چرا باید این طور باشد؟ کجای این متن، برای رسانه ها حداقل صلاحیت و اعتماد و تشخیص در نظر گرفته شده؟ لزوم اخذ مجوز برای همه تولیدات، همه انتشارها و همه پخش های زنده، رسانه ها را به اپراتور ساترا و کارمندان آن و در واقع پرسنل ساترا و شبکه های اقماری ساترا تبدیل می کند شبکه نمایش خانگی، در واقع شبکه خانگی بخش خصوصی است.

«نقض حقوق کاربران» تخلف است. عبارتی مبهم و با تاب تفسیر بالا. حقوق کاربران چیست؟ مثل آن است که گفته شود نقض حقوق شهروندی. حق های شهروندی، بسیار متعدد، متنوع و متکثرند و این گونه قانون نویسی مستند تقاسیر مترازم، متناقض و اتفاقاً نقض حقوق کاربران است. اولین حق کاربران، حق بر آزادی انتخاب است. حتی که در این متن نادیده گرفته شده است.

با مثال الزاماتی برای دسترسی اطفال و کنترل والدینی در نظر گرفته شده که اولاً این مهم با عنایت به وجود خط قرمزهای فراوان حق بر بیان آزاد، به صورت کلی و عمومی در همه آثار رعایت می شود و اگر در کشورهای دیگر این مهم رعایت می شود، محدودیت های بیان آزاد، نسبت به حقوق ایران، کمتر و دورتر است. لذا آثار تصویری در ایران با رعایت ملاحظاتی تولید و منتشر می شود که برای همه سنین مناسب است. ثانیاً این مهم نیازمند فرهنگ سازی، سپردن امر به والدین و ساز و کارهای درونی رسانه هاست و ورود یک نهاد دولتی به این گونه موارد، مطلوب و ممکن نیست.

رویکرد موسع در قوانین مجازات گری و تنبیه کننده، خلاف حق و آزادی هایی است که در قانون اساسی پذیرفته شده. تعدد و تکثر تخلفات عمومی و مالی در این متن، یک حقوق کیفری مجزا در کنار حقوق کیفری جرمین ایران اضافه می کند! مواردی در این ماده به عنوان تخلف مالی در نظر گرفته شده که دخالت در روابط میان رسانه و کاربر و دولتی کردن این مهم است.

موارد ۱۲ گانه تنبیهات در متن، هم از نظر تعدد و هم از جهت شدت، غیراصولی و خلاف فلسفه حقوق کیفری است. امری که متن را بیش از پیش، خلاف استانداردهای

قانون نویسی نشان می دهد. مواردی چون: «۱- کاهش امتیاز رسانه در ارزیابی و رتبه بندی در نهاد تنظیم گری». این عبارت حکایت از این دارد که قرار است ساترا به رقبای خود امتیاز دهد و آنها را رتبه بندی کند! نهاد تنظیم گری هم، خود ساتراست! این یعنی، عناصر ارزشیابی را رقیب به رقبای خود تحمیل می کند و بر اساس همان ارزشیابی می کند و امتیاز می دهد و همان هم می تواند در مسیر نزولی، تنبیه و شناسایی شود!

۲- تنبیه دیگری بدین شرح پیش بینی شده: «ارجاع به دستگاه های اجرایی ذیربط برای محرومیت از تسهیلات و معافیت های دولتی». امری که فقط در صلاحیت مقنن است و سپردن روابط رسانه ها با دیگر ارکان دولت به ساترا، امری خطرناک و مخل نظام حقوقی است. طرفه آنکه از عبارت تسهیلات و معافیت های دولتی استفاده شده و همه حقوق و مزایای دولتی در نظام جمهوری اسلامی را شامل می شود! امری که در قوانین دیگر به صورت کاملاً مضیق، دقیق و خاص پیش بینی شده. لذا هم در اصل و هم در جزئیات، مردود است.

علاوه بر تخلفات و تنبیهات متنوع و متکثری که برای رسانه ها دیده شده، میحت جبران خسارت هم مطرح شده! امری که در صلاحیت انحصاری قوه قضائیه است.

۱۳) فارغ از اصل ۸۵ قانون اساسی و تقنین آزمایشی، مجلس نمی تواند صلاحیت خود را به کمیسیون های داخلی از جمله کمیسیون محترم فرهنگی واگذار نماید.

ضمناً اینکه هر ساله، جدول تخلفات و تنبیهات به روزرسانی شود، حکایت از اعمال تورم فزاینده هر ساله در این قانون دارد که باز هم نشان می دهد رویکرد این متن، اصلاحی و ترمیمی و تعامل محور نبوده و رویکرد درآمدی هم دارد!

۱۴) در متن، هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات پیش بینی شده که:

اولاً- ترکیبی یک طرفه و ساترا محور است و می توان از آن به شورای مدیران ساترا/ صدا و سیما یاد کرد. به طوری که از ۷ نفر عضو، ۴ نفر از هیأت مدیران ساترا!!!، یک نفر کارشناس حقوقی ساترا!!! و یک نفر مدیر رسانه ها به انتخاب ساتراست و تنها «یک نفر حقوقدان» به ساترا متصل نشده که آن هم به دلیل سکوت در خصوص چگونگی انتخاب، قاعداً توسط ساترا منصوب می شود!

لذا این هیأت، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به کارمندان صدا و سیماست تا هیأتی مستقل برای رسیدگی به تخلفات رسانه هایی که در بخش خصوصی هستند!

ثانیاً- وزارت فرهنگ در این ترکیب، کاملاً حذف شده است.

ثالثاً- جامعه مدنی در این ترکیب، غایب است و چون یک نفر مدیر رسانه صوت و تصویر فراگیر هم، منتخب رئیس ساتراست، فقدان نمایندگان مستقل رسانه ها شدیداً مشاهده می شود.

رابعاً- در رسمیت تشکیل هیأت، سه نفر از ۷ نفر دیده شده و این یعنی با سه مدیر ساترا، هیأت تشکیل شده و رأی صادر می نماید! یعنی حتی بدون حقوقدان و مدیر رسانه - که اشکالات آنها هم عرض شد- می توان رأی صادر نمود که قابل قبول نیست. خامساً- عنوان شده که نماینده رسانه می تواند در جلسه حاضر باشد و عدم حضور او، مانع رسیدگی نیست! در حالی که حضور نماینده رسانه واجب بوده و حتماً باید دعوت شود و بدون شنیدن صدای متهم، رسیدگی به تخلف، منصفانه نیست. برخی آرای هیأت بدوی یعنی «تذکر کتبی با/ بدون درج در پرونده، اخذ تعهدنامه رسمی مبنی بر عدم تکرار و کاهش امتیاز رسانه در ارزیابی و رتبه بندی»، به صورت قطعی در نظر گرفته شده که وجه منطقی ندارد و حتماً باید همه آرا، قابلیت تجدید نظر خواهی داشته باشند.

در متن تصریح شده که نظام فرایه تخلفات و تنبیهات متن پیشنهادی ساترا، مانع عمل نظام جرایم و مجازات ها و اینکه در هر حال، جریان دارند و اعمال می شوند، این نظام متورم تخلفات و تنبیهات چقدر و چگونه ضرورت دارد؟ آیا حقوق ایران به دنبال افزایش نظام مجازات و تنبیه است؟ آیا بهتر نیست که به قوانین جزایی مضیق بسنده نمود و این مسائل را به سازوکارهای درونی و صنفی و میان کاربران و رسانه ها سپرد؟

۱۵) وفق متن تنظیم شده، «رسیدگی به تخلفات رسانه در هیأت بدوی و تجدیدنظر، ناقض اختیارات ساترا برای جلوگیری از ادامه فعالیت رسانه های بدون مجوز یا رسانه های که مدت مجوز آن پایان یافته نیست». این یعنی ساترا نهادی است که فراتر از هیأت هایی که خود ایجاد نموده و فارغ از صلاحیت دستگاه قضایی، خود یک قوه قضائیه مستقل است و حتی باید به هیأت هایی شامل مدیران خود هم نیست. امری حاکی از حضور ساترا به مثابه یک نهاد سه قوه ای! یعنی نهادی که قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضائیه را در خود دارد.

۱۶) وفق این متن، مواردی به عنوان تشویق فهرست شده و علاوه بر اینکه شناسایی آنها به عنوان تشویق، محل تأمل جدی است، نشان از فرمالیته بودن تشویقات دارد. به عنوان مثال:

- بستن محتوایی تولیدات اختصاصی صدا و سیما، به عنوان تشویق در نظر گرفته شده که علاوه بر رسمیت دادن به مجری- که در قانون اساسی به نحو پیشینی جایگاهی ندارد و امری پسینی است- از پسوند رایگان آن، بر می آید که قرار است برای ممیزی وجهی دریافت شود و استثنائات در این مورد، رایگان است!

- بستن محتوایی تولیدات اختصاصی صدا و سیما، به عنوان تشویق در نظر گرفته شده! در حالی که شبکه خانگی نمایش جهت تمایز و ارائه محتواهایی متفاوت از صدا و سیما ایجاد شده و این مهم، جذابیت چندانی برای کاربران ندارد.

خست اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج



Elirza Babayeva

نمایش خانگی به دلیل دسترسی آسان و گسترده، چالش های خاص خود را دارد. یکی از مهم ترین چالش ها، ارائه محتوای غیرمجاز یا بدون مجوز است که به حقوق مالکیت معنوی آسیب می زند. برای مدیریت این چالش ها، رعایت و تقویت قوانین مالکیت معنوی از مواردی است که باید در کنار فرهنگ سازی ارتقا یابند